

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار
انقلاب ۱۹۰۵ روسیه بر بازرگانان
آذربایجانی بود. در این رابطه
بازرگانان آذربایجانی که به قفقاز و
شهرهای مختلف باکو، تفلیس، عثمانی
سفر می‌کردند با مشاهده پیشرفت
در آن سرزمین‌ها در قالب گروه‌های
معارض هم افکار جدیدی را ارائه
می‌نمودند و هم در جریان مشروطیت
به آزادیخواهان و مجاهدین کمک
می‌کردند

دموکراتیک و مبتنی بر قانون یکی از تعیین‌کننده‌ترین
عواملی است که می‌تواند در قالب عوامل خارجی به‌عنوان
عامل مؤثر در پیدایش جنبش مشروطیت ذکر کرد.

رقابت‌های قدرت‌های بزرگ

با توجه به عوامل خارجی تأثیرگذار بر جنبش مشروطیت
و به تبع آن با توجه به جایگاه و نقش پراهمیت آذربایجان
و تبریز در این واقعه که در قالب سه موضوع جنگ بین
ژاپن و روسیه (۱۹۰۴)، انقلاب روسیه (۱۹۰۵) و جریانات
ناسیونالیستی آزادی‌خواهانه و دموکراتیک ملهم از انقلاب
فرانسه که بسیاری از کشورهای اروپایی را درنوردید،
در اوایل قرن بیستم در بالکان و آسیای نیز این جریانات
تسری یافت طوری که در ایران جنبش مشروطیت را به
ثمر رساند. فارغ از موارد موفقیت‌ها و شکست‌های این
جنبش، آرام آرام تحولات اجتماعی و سیاسی در سطح
جامعه و حکومت و در نهایت به سمت ایجاد یک دولت-
ملت پیش رفت.

آنچه در قالب عوامل خارجی و بین‌المللی باید آن را در نظر
گرفت رقابت‌های قدرت‌های بزرگ در قالب منافع آنها
به‌ویژه بریتانیا و روسیه بوده که ساختار نظام بین‌الملل
را در قالب یک موازنه قدرت در قرن نوزدهم و اوایل قرن
بیستم تشکیل می‌داد. این موازنه به دلیل منافع متعارض
این قدرت‌ها نهایتاً در ۱۹۱۴ به هم ریخت و جنگ جهانی
اول را خلق کرد.

نکته مهم دیگری که در همین رابطه قابل ذکر است این
است که اهمیت موقعیت جغرافیایی و سیاسی آذربایجان
با مرکزیت تبریز در تمام مراحل جنبش مشروطیت بر این
جنبش تأثیرگذار بوده است. به همین منظور بعد حمله به
مجلس و پخش خیر آن از یک طرف در تبریز انجمن تبریز
ملهم از انقلاب روسیه عملاً جایگزین مجلس ملی شده
بود و هر چند تبریز محاصره و اشغال شده بود اما مقاومت
آنها و همراهی ایرانیان قفقاز با مردم تبریز این کشور سایر
شهرها را برای ادامه مبارزه و مقاومت امیدوار ساخت و
موجب به وجود آمدن کمیته‌های متعدد در شهرهای دیگر
از جمله رشت و اصفهان شد. نهایتاً باید گفت مشکلاتی که
بریتانیا و روسیه برای جنبش مشروطیت به وجود آورده‌اند،
نشانگر آن است که هیچ‌کدام از این دو قدرت بزرگ
موافق جنبش مشروطیت و تحقق یک نظام دموکراتیک
و مبتنی بر قانون با وجود چنین نظامی در بریتانیا و تا
حدودی در روسیه (شکل‌گیری مجلس دوم) نبوده‌اند.

شرایط سنگین اقتصادی و سیاسی، ایران به نوعی
زیرسلطه روسیه قرار گرفت (مجدالاسلام کرمانی،
۱۳۵۱، صص ۱۸۲-۱۸۳). در تداوم این امر می‌توان
گفت تجارت ایران تا آغاز جنگ جهانی اول در
انحصار روسیه که به دنبال حفظ وضع موجود بود
قرار گرفت (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۸، ص ۱۲۴).
این موارد نشان می‌دهد که روسیه توانایی آن را
داشته تا استقلال و تمامیت ارضی ایران را در جهت
اهداف خود خدشه‌دار سازد و خواسته‌های خود را
بر مقامات کشور تحمیل کند یا در صورت نیاز وارد
عمل شود (سایکس، ۱۳۳۶، صص ۴۲۹-۴۲۸).

تأثیر جریانات ناسیونالیستی ملهم از انقلاب

فرانسه

عامل مهم و اساسی دیگری که می‌تواند در پیدایش
مشروطیت به آن اشاره کرد جریانات ناسیونالیستی‌ای
است که به‌ویژه بعد از انقلاب فرانسه در اروپا و
بالکان و سپس در اوایل قرن بیستم در عثمانی و ایران
در قالب جنبش مشروطیت ظاهر شد. تشکیل‌کننده
وین که اتمام حجت پادشاهان قدرت‌های بزرگی
چون بریتانیا، اتریش-مجارستان، روسیه، پروس بود
و در کنگره وین ۱۸۱۵ و بعد از ۱۸۱۸ فرانسه، تاریخ
جدیدی نه‌تنها در اروپا بلکه در بسیاری از اقصی
نقاط جهانی به وجود آمد. تاریخ جدیدی که در
شکل‌گیری دولت-ملت‌های کشورهای مختلف
به وجود آمد مقابله با نظام‌های پادشاهی و ایجاد
نظام جمهوری و دموکراتیک در قالب قانون مهم‌ترین
هدف آنها بوده است و در قرن نوزدهم و بیستم
بیداری ملت‌ها، لیبرالیسم و دموکراسی را بیش از
هر زمان دیگر توسعه بخشید. به‌گونه‌ای که می‌توان
گفت تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نوینی
شکل گرفت و تداوم یافت. هر چند بریتانیا در اواسط
قرن هجدهم انقلاب صنعتی را آغاز کرد اما در ۱۸۲۰
فرانسه صنعتی شد و تغییرات اساسی کرد. در قرن
نوزدهم پادشاهی هلند-بلژیک به دو کشور تبدیل
شد. ایتالیا، آلمان و بسیاری از کشورهای دیگر به
صورت دولت-ملت ظاهر شدند و در قالب یک
نظام سیاسی ملهم از انقلاب فرانسه قرار گرفتند.
هر چند برخی کشورها نظیر آلمان با رهبری بیسمارک
و پس از سه جنگ بزرگ به استقلال رسیدند. ناگفته
نماند در اواخر قرن نوزدهم قدرت‌های بزرگ در
قالب پدیده استعمار بر کشورهای کوچک در آسیا
و آفریقا نیز فشار وارد آوردند و مانع از رسیدن آنها
به یک نظام مبتنی بر قانون و در قالب دولت-ملت
شدند و این امر موجب شد آنها به‌عنوان کشورهای
جهان سوم به گونه‌های مختلف نظیر مستعمره،
تحت نفوذ، کندومینیوم و... ظاهر شوند. ایران از
جمله کشورهای تحت نفوذ بریتانیا و روسیه در سال
۱۹۰۷ یعنی یک سال پس از جنبش مشروطیت به
شمار می‌رود. در واقع رقابت بین دو قدرت بزرگ
بریتانیا و روسیه پس از تضعیف جنبش مشروطیت به
صورت همکاری درآمد و ایران را به حوزه نفوذ خود
تقسیم کردند و در ادامه این اقدام خود نه‌تنها در
سال ۱۹۱۵ یعنی یک سال پس از جنگ جهانی اول
قسمت بی‌طرف را نیز بین خود تقسیم کردند، بلکه
در جنگ جهانی اول ایران را به اشغال خود درآوردند.
در نهایت اینکه جریانات ناسیونالیستی ملهم از
انقلاب فرانسه در قانون‌خواهی و ایجاد نظامی

جنگ ۱۹۰۴ و انقلاب روسیه ۱۹۰۵

از جمله عوامل دیگری که در پیدایش پدیده
مشروطیت نقش داشت جنگ ۱۹۰۴ ژاپن و روسیه
بوده است.

در سال ۱۹۰۴ جنگی که بین روسیه و ژاپن در گرفت
و نبرد معروف به پرت‌آرتور که در دسامبر ۱۹۰۴
اتفاق افتاد، ژاپن توانست روسیه را شکست دهد.
این شکست هم در خود روسیه و هم در کشورهای
آسیایی از جمله ایران پیامدهایی را دربرداشت.
ژاپن با پیروزی در این جنگ به کشورهای مختلف
نشان داد که می‌توان بر استبداد غلبه کرد و
نظام‌های مشروطه را می‌توان ایجاد کرد. مهم‌ترین
پیامد این پیروزی در جنبش مشروطیت ایران و
انقلاب ترک‌های جوان در عثمانی بوده است.

به‌تبع این مهم در جریان انقلاب روسیه اصطلاحاتی
چون شوراها، کمیته، انجمن که اشکال متعددی
از دموکراسی را نشان می‌دهد به وجود آمد.
شکل‌گیری اجتماع‌یون عامیون در باکو که ناشی
از انقلاب ۱۹۰۵ روسیه بوده و به دلیل ارتباطاتی که
با آزادی‌خواهان تبریز داشته است موجب شده
شعبه‌هایی از این فرقه در تبریز ایجاد شود.
نکته مهم اینکه انقلاب ۱۹۰۵ روسیه در تبدیل
حکومت تزار نیکلای دوم مستبد به یک سلطنت
مشروطه نقش اساسی‌ای داشته است. اجبار نظام
تزاری به تن دادن برای اصلاحات از جمله اصلاح
قانون اساسی، ایجاد دوما و به تبع آن قانونی شدن
احزاب سیاسی از جمله مهم‌ترین دستاوردهای
این انقلاب روسیه به شمار می‌رفت. در تداوم این
اقدامات با مخالفت‌هایی که با خواسته‌های اصلی
مردم یعنی دموکراسی به عمل آمد انقلاب ۱۹۱۷
روسیه بنا نهاده شد.

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار انقلاب ۱۹۰۵
روسیه بر بازرگانان آذربایجانی بود. در این رابطه
بازرگانان آذربایجانی که به قفقاز و شهرهای مختلف
باکو، تفلیس، عثمانی سفر می‌کردند با مشاهده
پیشرفت در آن سرزمین‌ها در قالب گروه‌های
معارض هم افکار جدیدی را ارائه و هم در جریان
مشروطیت به آزادی‌خواهان و مجاهدین کمک
می‌کردند (کسروی، ۱۳۶۹، ص ۱۲۸).

در اینجا باید به این مطلب اشاره کنیم که روسیه
نیز در جهت اهداف خود جنبش مشروطیت را متأثر
ساخته است. البته اگر بخواهیم به‌طور مبسوط به
تأثیر روسیه بر جنبش مشروطیت بپردازیم باید به
توسعه‌طلبی روسیه در زمان صفویه به‌ویژه در زمان
سلطان حسین صفوی برگردیم که با تحریک افغانها
بر علیه صفویان و جهت تضعیف ایران و دستیابی به
آب‌های گرم خلیج فارس، روس‌ها وارد ایران شدند.
هر چند با به قدرت رسیدن نادرشاه افشار قوای
روسیه و جانشینان پطر کبیر عقب‌نشینی کردند اما
در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم جنگ‌های
طولانی در دوماجره را بر ایران تحمیل کردند. از این
زمان بوده است که رقابت‌های قدرت‌های بزرگ
موجب می‌شود ایران به دلیل اهمیت استراتژیکی
فوق‌العاده در اولویت سیاست‌های آنها قرار بگیرد
(شمیم، ۱۳۷۱، ص ۴۴).

مطلب دیگری که در مورد تأثیر اقدامات روسیه در
جریان جنبش مشروطیت باید در نظر گرفت اخذ
وام و استقرار دولت از روسیه بود که با توجه به